

تجربه هایی در خصوص ایجاد علاقه در دانش آموزان

چگونگی ایجاد علاقه در بین دانش آموزان

در مورد علاقه یا عدم علاقه بسیار در کتابها خوانده و یا از زبان دیگران شنیده ایم و دلایل و راهکارهای بسیاری برایمان آورده اند اما بنده این بار با تکیه بر مطالب علمی که بسیار کمک کار ماست سعی کردم نوشته ام را با ترکیبی از تجربه و مطالب علمی شروع و یک نتیجه گیری قابل قبولی از آن داشته باشم اگر قدری تأمل کنیم می بینیم که کودکی که در پیش دبستانی یا در سالهای اولیه مدرسه پایه اول و دوم یک ساعت قبل از مدرسه با ذوق و شوق و علاقه آماده رفتن به مدرسه میشود حتی والدین نیز نمی توانند مانع زود رفتن آنها در هوای نامناسب به دبستان شوند آیا این عمل کودک را چیزی جز شوق و علاقه میتواند ورق بزند طبعاً خیر ، اما چه شده است همین کودک بعد از چند سالی آرام آرام از مدرسه فراری می شود و پدر و مادر نیز نمی توانند او را وادار به ادامه تحصیل نمایند و در نهایت ترک تحصیل می نمایند یا با نمرات ناپلثونی به سختی قبول می شود . آیا غیر از این است که دلیل این بی علاقه ای را باید در مدرسه و کتابها و سبک و سیاق مدرسه و معلمان باید جستجو کرد ، پس بیایید قدری به خودمان بیاندیشیم و چگونگی ایجاد علاقه را در این گونه دانش آموزان پیدا نماییم .

به یاد دارم که در زمان کلاس از اولیاء و دوستان و همکلاسانم می شنیدم که فلانی دارای ذهن بالایی است و درس را خوب می فهمد و شاگرد ممتاز است و ما هم به اینگونه افراد احترام خاصی قائل بودیم و شاید طرح این موارد از سوی اینگونه افراد برایم قدری ناراحت کننده بود که چرا ما و امسال ماها دارای چنین ذهن و استعدادی نیستیم و اصلاً بیان اینگونه دلایل در واقع ترمزی بود برای کسانی که می خواستند بیشتر تلاش کنند و درس بخوانند و ما قبول می کردیم که فقط

خداوند به آنها استعداد خوبی داده و بقیه به هیچ وجه نمی توانند همپای آنها شوند و همین امر باعث می شد که بقیه دست از تلاش بر دارند و کم کم قبول کنند که نمی توانند رشد نمایند چرا که آنها دارای ذهن و استعداد خدادادی هستند و ما خیر و عامل اصلی رشد را منتصب به شخص نمی دانستیم « البته که در هر کاری بایستی به خداوند توکل کرد » .

اکنون با پیشرفت علم متوجه شدیم تمام آن عقاید پوچ و باطل بوده است به فکر افتادیم که چگونه دانش آموزان و فرزندانمان شاگردان ممتازی شوند و چگونه بتوانیم دانش آموزان کوشایی داشته باشیم ؛ شاید جواب این سؤال در ظاهر بسیار ساده باشد و آن یک کلمه است « علاقه » اما چگونگی ایجاد علاقه برایم بسیار مهم است و پیدا کردن راه حل برای این سؤال بسیار سخت است ؛ دانش آموزی که فرار را بر قرار در مدرسه ترجیح می دهد ؛ چگونه می توان در او ایجاد علاقه به درس کرد ، چگونه می توان او را شیفته و عاشق درس و کتاب نمود .

برای پیدا کردن جواب این سؤال همیشه به فکر این بودم که چرا هنگامی که دانش آموزان ورزش دارند و هوا سرد و بارندگی است باز هم دوست دارند بیرون بروند و بازی نمایند و با عنایت به اینکه ممکن است این دانش آموزان در ساعت ورزش خسته شوند و هوای بیرون سرد و مشکل آفرین است اما اگر توپشان را از آنها نگیری و اجازه بازی بدهی تا غروب بازی می کنند اما چرا همین دانش آموزان در کلاس ریاضی و غیره با توجه به اینکه روی صندلی نشسته و راحت هستند خسته می شوند و بی توجه هستند و گاهی به خواب می روند .

با خودم فکر کردم که جواب این سؤال را از خود دانش آموزان در ساعت ورزش بپرسم و وقتی به سراغ عده ای از آنها رفتم همگی گفتند ما عاشق توپ و ورزش هستیم و به شدت بازی کردن را

دوست داریم و از ورزش کردن احساس شادی و نشاط می کنیم و بسیار خرسندیم و اصلا ساعت ورزش و دبیر ورزش نیز برایمان رضایت خاطر می آورد .

با خود فکر کردم که در ساعت ورزش چه خصیصه هایی وجود دارد که دانش آموزان این همه عاشق ورزش و بازی هستند و علی رغم اینکه گاهها معلمان ورزش نیز چیزی بیشتر از معلمان دیگر ندارند اما بسیار دوست داشتنی هستند تا اینکه به نتایجی از این قرار رسیدم و فکر کردم که آنچه باعث شده است دانش آموزان اینگونه ساعت ورزش را دوست داشته باشند اینها می باشد که عبارتند از :

- 1) در ساعت ورزش دانش آموزان از آزادی عمل بیشتری برخوردار هستند
- 2) همه دانش آموزان به کار گرفته می شوند و فقط به عده خاصی توجه نمی شود
- 3) دانش آموزان در گروههای چند تایی (چند تیم) برای رسیدن به یک هدف (گل زدن و پیروزی) با هم تلاش می کنند
- 4) هرکاری که دانش آموز انجام می دهد یعنی می دود - توپ را با پا می زند و غیره ، تمام این حرکات صحیح است و برای رسیدن به هدف مفید است مثل کلاس درس نیست که به دانش آموز بگوییم تو نمی توانی و اشتباه کردی
- 5) معلم ورزش در واقع نقش دوستی شفیق و راهنمایی امین را بازی می کند که کمک کار دانش آموزان است نه حاکم بر کلاس و امر و نهی نمی کند
- 6) ساعت ورزش برای دانش آموزان جذاب است پس ما سعی کنیم درسهایمان را بطور جذاب برای شاگردان طرح کنیم

7) در ساعت ورزش برای رسیدن به هدف (گل زدن) شاگردان پس از تلاش همدیگر را تشویق می کنند

8) هیچ وقت دانش آموزان از نمره هراسی ندارند و ورزش کردن را برای نمره گرفتن انجام نمی دهند و بحث نمره حل شده است

و به دنبال اینگونه آیتمها بود که تقریبا به جواب قانع کننده ای رسیده بودم و بعد از آن سعی کردم در کلاس درس همان مواردی را که در زمین ورزش و درس ورزش رعایت می شود برای دانش آموزانم رعایت کنم و حتی در زمان تصدی مدیریت مدرسه نیز به همکارانم موارد ذکر شده را توصیه می کردم و کم کم متوجه شدم که دانش آموزان نسبت به من و درس من علاقه مند میشوند و درس را بهتر می خوانند و حتی از زبان دانش آموزی شنیدم که « اگر دانش آموزی دبیری را دوست نداشته باشد درسش را نیز نمی خواند » و اما در این بین متوجه شدم که با این شیوه بسیاری از دانش آموزان زود جواب می دهند ولی بعضی ها هنوز گاهی اوقات دچار مشکلات هستند و اینگونه دانش آموزان به جهت مشکلات بیرونی و مدرسه ای که تا کنون داشته اند دیرتر جواب می دهند و با صبر و حوصله میتوان آنها را نیز به راه آورد .

و اکنون که 21 سال سابقه آموزشی و مدیریتی دارم با مطالعاتی که در این زمینه داشتم و با صحبتهایی که با همکاران و دانش آموزان کردم به نتایج مثبتی رسیدم . و راههای ایجاد علاقه در دانش آموزان را اینگونه ترسیم نمودم :

1) دادن آزادی عمل به دانش آموزان

2) توجه به همه دانش آموزان نه فقط عده خاصی

3) استفاده از روشهای فعال تدریس و گروه بندی دانش آموزان (تیمی)

4) اگر دانش آموز پاسخی می دهد و جواب سؤال را میدهد سریعاً به او نگوئیم که شما اشتباه می کنید بلکه سعی کنیم با طرح سؤالات پیاپی او را به جواب درست هدایت نمائیم (روش سقراطی)
حسن این کار این است که دانش آموز در فعالیتهای کلاسی همیشه شرکت می کند .

5) ما به عنوان یک معلم سعی کنیم دانش آموزان بجای اینکه از ما حساب ببرند روی ما حساب کنند و در کارها و مشکلات یار و یاورشان باشیم .

6) سعی کنیم درسهایمان را با روش فعال و متنوع برای دانش آموزان جذاب نماییم .

7) برای رسیدن به هدف همیشه دانش آموزان را تشویق کنیم .

8) به هیچ وجه دانش آموزان را تنبیه نکنیم بلکه همیشه به دنبال فرصت باشیم و کوچکترین پیشرفت دانش آموز را به کرات تشویق نماییم تا موجب شادی و نشاط و علاقه دانش آموز به درس شود .

9) به دانش آموزان احترام بگذاریم و آنها را از صمیم قلب دوست داشته باشیم .

10) با اولیاء دانش آموزان صحبت نماییم (آموزش خانواده) که به هیچ وجه بچه ها را به اجبار به انجام تکالیف مکلف نکنند بلکه منتظر باشند تا اینکه فرزندان آنها زمانی که دست به قلم شوند ، همان لحظه بچه ها را بسیار تشویق نمایند (این موضوع خصوصاً در دوره ابتدایی و پایه های اول و دوم برای کودک بسیار خوشایند است) .

11) سعی نکنیم که افکارمان را به زور به شاگردان تحمیل نماییم چرا که کودکان نیز برای خودشان دنیایی دارند و چون ما می خواهیم به کودکان آموزش دهیم پس سعی کنیم با زبان کودکان صحبت کنیم بقول معروف :

« چونکه با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد »

12) هیچ وقت دانش آموزان را با نمره تهدید نکنیم و سعی کنیم با کمترین توجه و جواب ، به دانش آموز نمره خوبی بدهیم .

13) بعنوان یک معلم سعی کنیم همیشه در سر کلاس مرتب و منظم باشیم و وضع ظاهری مناسب و دوست داشتنی داشته باشیم .

14) در انجام تکالیف درسی خصوصا در اوایل کار ، دانش آموزان را آزاد بگذارید یعنی به هر مقداری که انجام دادند آنها را تشویق نماییم تا پیشرفت نمایند .

و در پایان با پوزش از همه اساتید فن و تعلیم و تربیت ، آنچه بیان نمودم حاصل سالها تجربه اندوژی و دقت این حقیر بود که ذره ای از دریای بیکران فن و هنر معلمی می باشد که میتواند در راه پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت مفید واقع شود .